

## Analyzing the view of the European tourists of the Qajar era towards the blessed places and monuments of Iran (case study: Brown, Pollock, Gobineau and Fourie)

Shahla abyar<sup>1</sup>

### Abstract

During the Qajar era, European travel writers traveled to Iran with different goals. These travelogues are valuable sources that provide an image of the life and culture of Iran at that time. Among the topics of interest of these travelogues were the blessed places and monuments of Iran. Regarding the status and importance of the blessed monuments among Iranians, in this article, the qualitative method of thematic analysis was used to analyze the view of the European tourists of the Qajar era. From the analysis of the textual data, the overarching themes of "the origin of Imamzadegan and monuments", "the importance of monuments among Iranians", "the connection between security and blessed monuments" and "the function of holy places" were obtained. The attitude of European tourists showed that the blessed places in Iran had a hypothetical and unrealistic origin; In such a way that there are plenty of Imamzadeh in every corner and in every difficult place. In terms of importance for Iranians, these places include Mecca, Karbala, Mashhad, Qom and Hazrat Abdul Azim. Asylum and security for wrongdoers was considered a threat to public security along with personal security. Burying the dead, benefiting from blessings and material sustenance for the monuments residents, on the one hand, and acquiring social identity titles for the pilgrims, on the other hand, were obtained in these reports. Pilgrimage is also reported as a risky journey in order to obtain divine pleasure and afterlife reward, as a special way of life of Shiites; However, reaching the burials and discovering the remains for this purpose, under the title of pilgrimage by order of the kings, also existed. The prohibition of Shiites from visiting places and monuments and the lack of adequate and correct information of European tourists about these religious places have caused an inaccurate picture of the origin of religious places and its real function to be presented by European tourists. Also, the limited stay next to the routes that were less frequented by Imamzadegan and blessed monuments has added to this factor.

The first year|

Number two|

Winter 2023|

**Keywords:** Blessed places and monuments, Travelogues of European travelers, Qajar era, Brown, Pollock, Gobineau, Fourie.

---

1. Ph.D. in Kalam. Assistant Professor of Education, Isfahan, Iran.  
shabyar96@gmail.com

## تحليل نظر السياح الأوروبيين في عصر القاجار حول اماكن ايران المباركة (دراسة حالة: براون، بولاك، غوبينو وفورييه)

شهلا آبيار<sup>١</sup>

### الخلاصة

خلال دورة القاجار، فان كتاب قصص سفر الرحالة الأوروبيين إلى إيران كان لهدف مختلف. تُعد قصص الرحلات هذه مصادر قيمة توفر صورة عن الحياة والثقافة في إيران في ذلك الوقت. و من بين الموضوعات التي اهتمت بها كتب الرحلات هذه الأماكن المباركة في إيران. فيما يتعلق بمكانه وأهمية الأماكن المقدسة عند الإيرانيين، في هذه المقالة تم تحليل موقف السياح الأوروبيين في عصر القاجار باستخدام الطريقة النوعية لمضمون التحليل. و من تحليل البيانات النصية، تم الحصول على المواضيع الشاملة مثل «أصل اولاد الأئمة و اماكنهم»، و «التشكيك في الاماكن عند الإيرانيين»، و «ارتباط الأمن و البقاع المباركة» و «وظيفة الأماكن المقدسة». أظهر موقف السياح الأوروبيين أن الأماكن المباركة في إيران لها أصل افتراضى و غير واقعى؛ بحيث يكون هناك كثرة من ابناء الأئمة في كل زاوية و في كل مكان يصعب الوصول اليه. و من الاماكن المشتبه بها هي ذات أهمية بالنسبة للإيرانيين، تشمل هذه الأماكن مكة و كربلاء و مشهد و قم و حضره عبد العظيم. و اعتبر طلب اللجوء و توفير الأمن للمتهمين تهديداً للأمن العام بالإضافة إلى الأمن الشخصى. دفن الموتى، و الاستفادة من البركات و الرزق لجيران البقاع من جهة و الحصول على ألقاب الهوية الاجتماعية للزائرين من جهة أخرى، كل ذلك تلاحظه في هذه التقارير. يُقال أيضاً أن الزيارة رحلة محفوفة بالمخاطر من أجل الحصول على رضا الله و ثواب الآخرة، وهو أسلوب حياة خاص لدى الشيعة؛ إلا أن الوصول إلى المدافن و اكتشاف الآثار المتبقية لهذا الغرض تحت غطاء الزيارة بأمر من الملوك كان موجوداً أيضاً. اعتراض الشيعة على تواجد الاجانب في الأماكن الدينية و عدم توفر المعلومات الكافية و الصحيحة لدى السياح الأوروبيين عن هذه الأماكن الدينية، دفع السياح الأوروبيين إلى تقديم صورة غير دقيقة عن أصل الأماكن الدينية و وظيفتها الحقيقية. اصف الى ذلك فأن الإقامة المحدودة على الاجانب المارين في الطرق التي هي أقل ارتياداً لأبناء الامه و البقاع المباركة مما قلل من المعلومات الواسلة لدينا.

**الكلمات المفتاحية:** الأماكن المباركة، كتب الرحالة الأوروبيين، العصر القاجارى، براون، بولاك، غوبينو، فورييه.

١. دكتوراه في الكلام. أستاذ مساعد في التربية، أصفهان، إيران.  
shabyar96@gmail.com



فصل نامه  
علمی  
مطالعات  
بِقاع و  
امكان  
مباركة

## واکاوی نگرش سیاحان اروپایی عصر قاجار به اماکن و بقاع متبرکه ایران (مورد مطالعه: براون، پولاک، گوبینو و فووریه)

مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۰

شهلا آبیاری

### چکیده

در دوران قاجار، سفرنامه نویسان اروپایی با هدف متفاوتی به ایران سفر می‌کردند. این سفرنامه‌ها منابع ارزشمندی هستند که تصویری از زندگی و فرهنگ ایران در آن دوران را ارائه می‌دهند. از جمله موضوعات مورد توجه این سفرنامه نویسان، اماکن و بقاع متبرکه ایران بوده است. نظر به جایگاه و اهمیت بقاع متبرکه نزد ایرانیان، در این مقاله با روش کیفی تحلیل مضمون به واکاوی نگرش سیاحان اروپایی عصر قاجار پرداخته شد. از تحلیل داده‌های متنی، مضامین فراگیر «خاستگاه امامزادگان و بقاع»، «تشکیک بودن بقاع نزد ایرانیان»، «هم پیوندی امنیت و بقاع متبرکه» و «کارکرد اماکن مقدسه» به دست آمد. نگرش سیاحان اروپایی نشان داد که اماکن متبرکه در ایران، خاستگاهی فرضی و غیرواقعی داشته؛ به نحوی که سبب شده در هر گوشه‌ای به وفور امامزاده‌ای در هر نقطه صعب‌العبوری دیده شود. این اماکن از نظر اهمیت برای ایرانیان به صورت تشکیکی مکه، کربلا، مشهد، قم و حضرت عبدالعظیم را شامل می‌شده است. پناه‌جویی و امنیت بخشی به متهمان در کنار امنیت فردی، تهدید برای امنیت عمومی محسوب می‌شد. دفن اموات، بهره‌مندی از برکات و رزق مادی برای مجاوران بقاع از یک سو کسب عناوین هویت بخش اجتماعی برای زائران از سویی دیگر در این گزارش‌ها به دست آمد. زیارت نیز به مثابه سفری مخاطره‌آمیز به منظور کسب رضای الهی و ثواب اخروی، شیوه خاص زندگی شیعیان گزارش شده است؛ هرچند دستیابی به دفینه‌ها و کشف آثار به‌جامانده بدین منظور تحت لوای زیارت به دستور شاهان نیز وجود داشته است. ممانعت شیعیان از حضور در اماکن و بقاع از یک سو و عدم اطلاع کافی و درست سیاحان اروپایی درباره این اماکن مذهبی سبب شده است تا تصویری غیردقیق از خاستگاه اماکن مذهبی و کارکرد واقعی آن از سوی سیاحان اروپایی ارائه شود. همچنین اقامت محدود در کنار گذر از مسیری که کمتر با امامزادگان، بقاع متبرکه روبه‌رو می‌شدند نیز بر این عامل افزوده است.

**کلیدواژه:** اماکن و بقاع متبرکه، سفرنامه‌های سیاحان اروپایی، عصر قاجار، براون، پولاک، گوبینو، فووریه.

## ۱. طرح مسئله

سفرنامه‌ها از مهم‌ترین منابع جهت کسب اطلاعات تاریخی بوده که گاه از خود تاریخ نیز ارزشمندتر هستند؛ به نحوی که اگر گستره فناوری و رهاورد ارتباطات در عصر حاضر نبود، به جرئت می‌توان سفرنامه‌ها را تنها منبع دانشی درباره تاریخ و فرهنگ جوامع دانست. تاریخ سفرنامه نویسی در ایران را می‌توان مربوط به دوران صفویه دانست که در این دوران «اوج رونق سفر سیاحان و جهانگردان به ایران است و جهتی که در این زمینه صورت گرفت موج گشت سیاحت اروپاییان به ایران مورد توجه قرار گیرد و در دوره‌های بعد (افشاریه، زندیه و قاجار) استمرار یابد و اوج خود برسد» (دانش پژوه، ۱۳۸۰: ۳۹).

بعد از سقوط دولت صفویه، مسافرت اروپاییان به ایران رونق خود را از دست داد؛ اما در ابتدای قرن سیزدهم، با توجه به تحولات جهانی و سیاست‌های نظامی کشورهای استعماری، همچنین انتقال پایتخت به تهران، بار دیگر ایران در موقعیت خاصی برای سفر سیاحان با انگیزه‌های گوناگون قرارداد. پولاک، گوبینو، براون و فوریه از جمله این سیاحان هستند که گزارش‌های خود را در قالب سفرنامه باهدف کاوش در فرهنگ و تاریخ ایران نگاشتند.

گوبینو اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران را به‌عنوان یک مسافر و به‌صورت تفننی در اوایل قرن ۱۹ در جایگاه نویسنده هنرشناس بررسی کرده است. براون در مدت اقامت یک ساله خود در ایران، در ثبت ریزترین مسائل و نقل با دقت و وسواس اماکن و منازل به این مهم پرداخته است. پولاک که تنها در تهران بوده و به جاهای دیگر ایران سفر نکرده، سفرنامه‌اش یکی از پرمحتواترین سفرنامه‌های اروپایی محسوب می‌شود که مبتنی بر روش تحقیق علمی، آگاهی‌های ارزشمندی از فرهنگ و تاریخ ایران ارائه می‌کند. فوریه در کسوت پزشک شاه، با آگاهی از علم باستان‌شناسی و مسئول حفاری‌های شاهانه، اطلاعات ارزشمندی از دوران قاجار به‌خصوص دوره حکومت ناصرالدین شاه در اختیار محققان قرار می‌دهد؛ بنابراین سفرنامه‌ها به‌عنوان منابع مهمی در جهت درک عمیق‌تر فرهنگ و تاریخ ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. یکی از موضوعات مورد توجه این سفرنامه نویسان، اماکن و بقاع متبرکه ایران بوده است. «مراکز زیارتی (اماکن مذهبی).... مخازنی هستند برای آزمون‌های یک فرهنگ. این مراکز با والاترین تجلیات هنر و معماری دینی در یک فرهنگ تجلیل می‌شوند» (Morinis, ۱۹۹۲: ۵). این اماکن که در گستره وسیعی شامل بنیان‌گذاران ادیان و مذاهب تا آن دسته از بقاعی است که به نحوی برای افراد تقدس یافته است. مراکز مقدس و «زیارتگاه به آرمانی که در خود جای داده است، تجسم می‌بخشد. این پیام که این مکان قدس الاقدس است به شدت در هنر، معماری، موسیقی، نمایش و هر آنچه که مرکز را آراسته است برای زیائر تقویت می‌شود» (Ibid); نظر به این مهم است که این اماکن در سفرهای سیاحان همیشه مورد توجه بوده است. با توجه به جایگاه و نقش ویژه‌ای که اماکن مذهبی و بقاع متبرکه در میان ایرانیان داشته، پرداختن به این جایگاه از زاویه گزارش‌های سیاحان اروپایی، اطلاعات مهمی از اماکن متبرکه در آن دوران ارائه می‌دهد علاوه بر این، تجربه سیاحان اروپایی را درباره اماکن متبرکه انعکاس می‌دهد. حال با توجه به این مهم، سؤال اصلی این است که چگونه سفرنامه نویسان اروپایی مانند براون، پولاک، گوبینو و فوریه به این اماکن نگاه می‌کردند؟ و چه نقشی به این اماکن در زندگی

اجتماعی و مذهبی ایرانیان در دوران قاجار اختصاص می‌دهند؟ جهت پاسخ به این سؤال، محقق تلاش خواهد که با روش کیفی محتوای گزارش‌های سیاحان درباره اماکن و بقاع در ایران را مورد Top of Form دهد.

## ۲. پیشینه

مهماندار احمدآباد (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی سفرنامه‌های ایرانی و اروپایی در عصر قاجار بر مبنای هشت سفرنامه» به این نتیجه رسیده است که ایرانیان بیشتر به وضعیت اجتماعی و دینی در کشورهای غربی توجه کرده‌اند و اروپاییان نیز در ایران به امور سیاسی، اقتصادی، آداب و رسوم و همچنین امور دینی و اجتماعی توجه بیشتری نموده‌اند. همچنین سفرنامه‌های بررسی‌شده اروپایی در این در این نوشته بیشتر توسط افراد تحصیل کرده و دارای معلومات بالا نوشته شده است درحالی که سطح سواد و دانش سفرنامه نویسان ایرانی در مقایسه با اروپاییان در حد پایین‌تری قرار دارد. از نظر سبک‌شناسی، سفرنامه‌های ایرانی با نثری ساده و روان نوشته شده‌اند و جز برخی کلمات عربی و مهجور؛ نکات مبهمی ندارند و سفرنامه‌های اروپایی هم که ترجمه شده‌اند، بر اساس ترجمه آن‌ها دارای نثری ساده هستند و خواننده در مطالعه آن‌ها با مشکل خاصی روبه‌رو نخواهد شد.

آقا بیگی کلای (۱۴۰۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «تحلیل گفتمان بر سفرنامه میرزا صالح شیرازی و سفرنامه ادوارد پولاک» در نتیجه گیری بیان کرده است که سفرنامه ادوارد پولاک به دلیل شهرت این سفرنامه در دوری از غرض‌ورزی و نیز به دلیل کامل بودن سفرنامه در پرداختن به شئون مختلف زندگی ایرانیان، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. قرابت تاریخی نگارش دو سفرنامه، دلیل دیگر این انتخاب بوده است. تحلیل تطبیقی دو سفرنامه به منظور بررسی جایگاه خود و دیگری در متن سفرنامه‌ها با استفاده از نظریه بازنمایی استوارت هال و تحلیل گفتمان لاکلا و موفه انجام شده است تا ضمن ارائه مفصل‌بندی کلی حول مفاهیم خود و دیگری (با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه) ابزارهای استفاده‌شده در این بازنمایی و برساخت (با به‌کارگیری نظریه بازنمایی استوارت هال) تبیین گردد. نگاه به خود در سفرنامه پولاک نگاه فرادست و توأم با قدرت و علم و اخلاق و تمدن و پاکیزگی است. نگاه به خود در سفرنامه میرزا صالح حول مفاهیم فرودستی، حقارت، علم سطحی و بی‌فایده و ضعف اخلاقیات برساخته شده است. دیگری در سفرنامه پولاک حول مفاهیم حقارت، عقب‌ماندگی، ناتوانی از اداره خود و مستحق استعمار شدن برساخته شده است، درحالی که دیگری در سفرنامه میرزا صالح حول مفاهیم پیشرفت، رفاه، آزادی، حاکمیت قانون و اخلاق مفصل‌بندی شده است. بر این اساس ستایش‌ها و اشاعه ایدئولوژی و تقویت هژمونی در هر دو سفرنامه متعلق به گفتمان غربی است و ستیز، ایجاد تزلزل و ساختارشکنی به سمت گفتمان ایران عصر قاجار است.

جودکی کرم وند (۱۴۰۰) در پژوهش تحت عنوان «بازتاب فرهنگ شیعی در سفرنامه‌های دوره قاجار» به دنبال این سؤال که سیاحان به چه صورت اوضاع دینی و فرهنگی در دوره قاجار را گزارش کرده‌اند و نوشته‌های آنان به صورت بی‌طرف و واقع بینانه هست یا با واقعیت جامعه آن

زمان مغایرت دارد؟ به این نتیجه رسیده است که سیاحان و سفرا بر اساس مشاهدات و تجربیات اقامت در ایران به توصیف و شرح فرهنگ شیعی مردم ایران پرداخته‌اند که گاهی به دلیل رویکرد غربگرایانه، سطحی‌نگری، مدت محدود اقامت در ایران و ... نتوانسته‌اند به ارائه گزارش دقیق و درستی از فرهنگ شیعی مردم ایران بپردازند.

دیوسالار (۱۳۹۰) در اثر پژوهشی «بررسی نگاه سفرنامه نویسان اروپایی به فرهنگ دینی ایرانیان در دوره قاجار» با نگاهی انتقادی به منابع مذکور، سعی بر نشان دادن علایق و سلیق فکری و سیاسی سفرنامه نویسان اروپایی دوره قاجار در بیان گزارش‌هایشان در اوضاع و احوال فرهنگ دینی ایرانیان آن دوره نموده است. محقق همچنین تلاش کرده است تا نشان دهد که آنان به چه عناصری از فرهنگ دینی ایرانیان بیشتر توجه داشته و در مورد اماکنی که در مسیر سفر خود برخورد داشته‌اند، چه گزارشی ارائه داده و میزان تعمیم دهی این گزارش‌ها به عموم جامعه چگونه است.

وجه تمایز این پژوهش با موارد فوق این است که اولاً محقق قدر این پژوهش به صورت مورد و خاص، توصیف سیاحان اروپایی را به اماکن و بقاع متبرکه مورد واکاوی قرار داده و از این نظر در موارد فوق این نمونه مطالعه یافت نشد. ثانیاً روش به کار گرفته شده در تحلیل داده‌های متنی نیز کیفی بوده و متفاوت از مطالعات فوق است. همچنین با تمرکز بر چهار سفرنامه (براون، پولاک، گوینو و فووریه) این مسئله به تقطیع و سپس تحلیل و توصیف تک‌تک واحدهای معنادار صورت گرفته، از این رو نیز دارای نوآوری است.

### ۳. روش پژوهش

امروزه با رشد سریع پژوهش‌های کیفی در سال‌های اخیر، گامی مثبت در جهت درک عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی و پویایی برداشته شده است. کسب نتایج مفیدتر در پژوهش‌های کیفی با استفاده از ابزارهای تحلیلی، ثبت نظام‌مند و تبیین روش‌های تحلیلی امری امکان‌پذیر است. یکی از شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی که دارای اهمیت بالایی است، تحلیل مضمون (Thematic Analysis) است. این روش برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای کیفی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۵) مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین می‌توان به عنوان ابزاری برای تحلیل داده‌های متنی نیز به کار رود. داده‌های پراکنده و گوناگون به کمک این روش به داده‌های غنی و تفصیلی قابل‌تبدیل است. انعطاف‌پذیری از خصیصه مهم این روش است (Braun & Clarke, ۲۰۰۶: ۷۸-۸۰) در این روش عموماً از قالب مضامین و شبکه مضامین برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. محقق در این پژوهش از شبکه مضامین استرلینگ استفاده نموده است. شبکه مضامین نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. بر اساس روندی مشخص مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر را نظام‌مند می‌کند سپس این مضامین به صورت نقشه‌هایی شبیه تارنما رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). باید توجه داشت که تحلیل مضمون، هرچند خود یک روش مستقل تحلیلی است؛ اما می‌تواند در سایر روش‌های تحلیل کیفی چون تحلیل روایت، تحلیل نشانه شناختی، نظریه زمینه‌ای و.. نیز مورد استفاده قرار گیرد (محمد پور،

۱۳۹۲، ج ۲: ۶۶). این روش به محقق اجازه می‌دهد که تم‌ها یا مضامین آشکار و پنهان متن را جستجو کرده، سپس آن را تفسیر کند.

### گام اول: گردآوری اطلاعات و تقطیع متن به واحدهای معنادار

برای جمع‌آوری داده‌های در این قسمت به چهار سفرنامه منتخب دوران قاجار مراجعه شده است. بدین‌صورت که در مرحله اول تمام سفرنامه در مطالعه اولیه، واکاوی شد و مطالبی که به امامزادگان، بقاع متبرکه، مساجد و اماکن مذهبی اشاره داشت یادداشت شد. این داده‌های متنی، در یک مطالعه اولیه دسته‌بندی شد. از آنجاکه در تجزیه و تحلیل داده‌ها، در تحلیل مضمون سه مرحله کلان: تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن، ادغام و یکپارچه کردن وجود دارد، در گام‌های بعدی این مراحل صورت گرفت.

در دومین گام بعد از انتخاب واحدهای معنادار، برچسب‌زنی به جملات و پاراگراف‌هایی معنادار انجام شد.

در این مرحله پس از دست‌یافته به مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه، در سطح انتزاعی به دست آمد. در این مرحله از تحلیل مضمون سعی شد با سازمان‌دهنده مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای در یک جدول، مضامین سازمان‌دهنده در سطح دیگری از انتزاع استخراج شود. این سطح از مضامین، ما را به سوی مضامین سطح بالاتر در نردبان انتزاع هدایت می‌کند که بدان مضامین فراگیر گفته می‌شود. هدف محقق در این مرحله این است از مجموعه به دست آمده، مفاهیم مرتبط شناسایی شده تا تفسیری بنیادین در راستای مفاهیم فراگیر حاصل شود.

### گام سوم: ترسیم شبکه مضامین

در گام سوم نوبت به ترسیم شبکه اصلی مضامین و استخراج الگوی مفهومی است. پس از رفت و برگشت بین مضامین و تحلیل آن‌ها به ۸۸ مضامین پایه، ۱۳ مضمون فراگیر و در نهایت ۴ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد که به نظر می‌رسد از وجه جامعیت معنایی مناسبی جهت انعکاس دیدگاه سیاحان اروپایی به اماکن و بقاع متبرکه برخوردار است.

### ۴. یافته‌های پژوهش

نظر به اینکه هدف اصلی این پژوهش اهمیت واکاوی نگرش سیاحان اروپایی به بقاع متبرکه و انعکاس کارکرد اماکن مقدسه در میان ایرانیان است، کدهای فراگیر «خاستگاه امامزادگان و بقاع»، «تشکیک بودن بقاع نزد ایرانیان»، «هم‌پیوندی امنیت و بقاع متبرکه» و «کارکرد اماکن مقدسه» از جمله یافته‌هایی است که در این واکاوی به دست آمد و در جدول زیر آمده است:



مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	ردیف
خاستگاه امامزادگان و بقاع	غیرواقعی بودن خاستگاه بقاع	فرضی بودن منشأ امامزاده‌ها در ایران؛ خواب‌نما شدن جهت وجود امامزاده	۱
	وفور امامزادگان	وفور امامزاده در ایران	۲
	منع حضور	عدم اجازه ورود من (براون) به امامزاده؛ ممانعت از ورود سیاحان به امامزاده؛ مساعدت ایرانیان برای بازدید اروپاییان از اماکن متبرکه؛ ممانعت از ورود اروپاییان به مساجد به علت نجاست؛ متوسل شدن به دوستان ایرانی برای بازدید از مسجد شاه؛ وجود خطر قتل ناشی بازدید از اماکن متبرکه برای اروپاییان؛ وجود ترس ناشی از ممانعت ایرانیان، برای زیارت در مکان‌های مقدس؛ همراهی اهالی برای بازدید اروپاییان از مسجد مادر سلیمان؛ دعوت ایرانیان از سیاح اروپایی جهت بازدید از قبور ائمه در کربلا و نجف؛ ممانعت ایرانیان از زیارت قبور ائمه و بزرگان؛ ممانعت از بازدید از اماکن متبرکه حتی بیرون از صحن؛ ممانعت از تماشای شاه عبدالعظیم حتی بیرون از صحن؛ قرار گرفتن سیاحان در کسوت ایرانی برای بازدید از اماکن مقدسه؛ تماشای حرم حضرت معصومه از بیرون صحن بدون ممانعت اهالی قم	۳
تشکیکی بودن بقاع	ویژه بودن کربلا	جایگاه مهم کربلا بعد از مکه برای شیعیان؛ عمومیت سفر به کربلا در میان شیعیان؛ زیارت کربلا هم‌پایه زیارت مکه در نزد شیعیان؛ سفر به مشهد مورد توجه ایرانیان بعد از کربلا؛ دسته‌بندی اماکن مقدسه؛ وجود انگیزه‌های مختلف در سفر به کربلا	۴
	کربلا؛ پناهگاه اعظم	کربلا؛ پناهگاه و بست اعظم کشور در خارج از مملکت؛ کمال امنیت و آزادی در کربلا برای از چشم افتادگان شاه؛ مقیم کربلا شدن برای در امان بودن بی‌لطفی شاه	۵
	اعتباربخشی کربلا در دفن اموات	حمل اجساد ثروتمندان به یکی از اماکن مقدسه؛ تقدس اماکن و دوی و نزدیکی به بقعه عاملی در تعیین قیمت قبر؛ حمل ناشناس اجساد به کربلا برای رهایی از درخواست‌های بی‌جا	۶

مضامین مضامین مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	ردیف
پیوند امنیت و بقاع متبرکه	امان بخشی بست‌ها به پناهندگان	بست نشستن در حرم برای نجات؛ ست بودن حرم عبدالعظیم برای مقصرین؛ بست نشستن در حرم برای دادخواهی؛ بی‌اعتمادی به امان بخشی شاه در مقابل امنیت بست‌نشینی؛ عدم اعتماد به امان شاه و اعتماد به امان بودن در حرم؛ در امان بودن تا زمان بست‌نشینی؛ عدم امنیت در صورت خروج از حرم؛ بست‌نشینی در حرم تا نجات قطعی؛ توسل به بست‌نشینی برای رهایی از تعقیب قانون؛ بست‌نشینی حمایت لازم برای تأمین امنیت شخصی؛ پناه بردن به بست برای نجات جان خود/ پناه بردن به کربلا برای نجات جان؛ بست بودن هر امامزاده در ایران؛ درمان بودن دشمنان شاه در صحن حرم؛ امنیت کامل همه در داخل بقعه/ عدم دستگیری افراد پناهنده به بقعه؛ احترام خاص مردم برای بست و امدادسانی به بست‌نشینان	۷
	بست‌نشینی؛ تهدید امنیت عمومی	زیان بخشی بست‌ها برای امنیت عمومی؛ پناه بردن اراذل‌وواباش به مساجد؛ محدود ساختن بست‌نشینی اماکن مقدسه؛ بست بودن سراسر مشهد برای دزدان	۸
کارکرد بقاع متبرکه	تدفین اموات	دفن در کنار بقاع از سر علاقه به امامان و قدیسین؛ ارسال چنانچه ثروتمندان به کربلا؛ هم‌جواری قبرستان و امامزاده؛ تدفین در قم در صورت فقیر بودن؛ حرکت کاروان اجساد برای دفن در اماکن متبرکه (قم)؛ حرکت کاروان با خویشاوندان مرده برای رسیدن به شهر متبرکه (قم)؛ دفن مردگان گورها در نزدیک کوه بی‌بی شهربانو؛ وصیت مبنی بر به خاک‌سپاری در اماکن مقدسه؛ اولویت داشتن زیارت قم در سفر شاهان قاجار به علت تدفین شاهان در قم؛ هم‌جواری امامزاده‌ها و قبرستان‌ها؛ حمل جنازه‌ها برای دفن در کنار امامزاده؛ روانه ساخت قافله اجساد برای تدفین کنار امامزاده (قزوین)؛ دفن اموات در کنار مزار حضرت معصومه/دفن شاهان سلسله قاجار در کنار مزار حضرت معصومه	۹
	بهرمندی از رهاورد زیارت	کسب القاب اجتماعی با سفر به اماکن مقدسه؛ دریافت تهنیت زیارت قبولی توسط زوار؛ کسب رضای الهی در سفر زیارتی؛ مدح قدیس در سفرهای زیارتی	۱۰



مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	ردیف
کارکرد بقاع متبرکه	روزی خواهی	روزی خوری سید و ملاها به برکت مزار حضرت معصومه؛ مزار حضرت معصومه تنها جای دیدنی قم؛ شفا خواهی زنان دربار از امام رضا؛ دخیل بندی بر درختان اماکن مقدسه؛ سرایت تقدس مکان به اشجار آن مکان؛ رونق کسب و کار در پناه بقاع برای پناهندگان	۱۱
	دست یافتن به دفینه‌ها	هدیه دادن از کاشی‌های امامزاده به سیاحان؛ مزین بودن امامزاده به بنایی قشنگ و ساده؛ کشف گنجینه قبر حقیوق به دستور شاه برای؛ غارت زینت امامزاده سهل علی؛ کشف گنجینه‌های آستانه سهل علی بهانه‌ای برای زیارت توسط شاه؛ یافتن نشدن گنجینه در تپه نهاوند و ناکامی همه	۱۲
	خطرپذیری در زیارت	زیارت اعلی حضرت از حضرت عبدالعظیم؛ زیارت کثیری از زنان و بچه‌ها برای زیارت حضرت عبدالعظیم؛ زیارت آستانه سهل علی توسط شاه؛ انحصاری بودن زیارت مکه به علت هزینه و خطرات بالا؛ قرار گرفتن امامزاده‌ها در مناطق صعب‌العبور؛ خطرآفرین بودن زیارت مکه؛ تحمل مشقت و سختی بالا در سفر زیارتی مکه؛ پذیرش خطرات در سفر به مشهد توسط زوار؛ صرف زمان بسیار در سفرهای زیارتی برای رسیدن به وطن؛ اولویت داشتن زیارت قم در سفر شاهان قاجار به علت وجود خطرات در زیارت سایر اماکن	۱۳

### الف) خاستگاه امام زادگاه و بقاع

این مضمون فراگیر دربردارنده سه مضمون سازمان دهنده «غیرواقعی بودن خاستگاه بقاع»، «وفور امام زادگان»، «منع حضور» است که در جدول زیر این مضامین در کنار مضامین پایه دیده می‌شود:

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادار
غیرواقعی بودن خاستگاه بقاع	فرضی بودن امامزاده‌ها در ایران	هر کس که خواب‌نما می‌شد معمولاً به دنبال آن به کندن جایی که خواب‌دیده بود دست می‌زد بدیهی است که در خیلی از مواضع به بقایای استخوانی نیز دست می‌یافت حال چه استخوانی متعلق به چه موجوداتی انسانی یا غیرانسانی... علت عدم اطلاع بر علم استخوان‌شناسی آن را به‌جای استخوان انسان جا می‌زدند یا با حقه‌بازی و فریبکاری دیگر... به‌رحال امامزاده فرضی علم می‌شد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳)

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادر
وفور امامزادگان	وفور امامزاده در ایران	سراسر مملکت پر از امامزاده است و بعضی از آن‌ها در مناطقی ناچور و تقریباً صعب‌العبور (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳)
منع حضور	عدم اجازه ورود من (براون) به امامزاده	چون آن شب، شب جمعه بود عده‌ای از سکنه شهر برای زیارت امامزاده آمده بودند در مدخل امامزاده زنجیری از بالای در آویزان بود که هر کس وارد آن می‌شد زنجیر مزبور را می‌بوسید. من را راه ندادند و نگذاشتند که وارد امامزاده شویم (براون، ۱۳۷۵: ۱۳۴)
	ممانعت از ورود سیاحان به امامزاده	در سلطانیه چند امامزاده بود من خیلی میل داشتم که آن امامزاده‌ها را ببینم اما «فراش» که متوجه شد من خیال دارم در سلطانیه بمانم شروع به اعتراض کرد و گفت اینجا جای توقف نیست و ما را حرکت داد (براون، ۱۳۷۵: ۱۴۳)
	مساعدت ایرانیان برای بازدید اروپاییان از اماکن متبرکه	مشیرالدوله سپس خادمی را به همراه من فرستاد که به مسجد سپهسالار برویم و مسجد مزبور را به من نشان بدهد. اگر مشیرالدوله این مساعدت را با من نمی‌کرد من نمی‌توانم نمی‌توانستم مسجد سپهسالار را تماشا کنم (براون، ۱۳۷۵: ۱۶۹)
	ممانعت از ورود اروپاییان به مساجد به علت نجاست	برای اینکه اروپاییان را به مسجد راه نمی‌دهند و آن‌ها را نجس می‌دانند (براون، ۱۳۷۵: ۱۶۹)
	متوسل شدن به دوستان ایرانی برای بازدید از مسجد شاه	من برای ورود به مسجد شاه که یکی دیگر از مساجد بزرگ تهران است و بانی آن فتحعلی شاه پادشاه قاجار بوده نیز متوسل به مساعدت دوستان ایرانی خودم شدم و با دو نفر از آن‌ها به مسجد شاه رفتم اگرچه مسجد شاه نیست مسجد بزرگی است ولی شکوه و زیبایی مسجد سپهسالار زیادتر است (براون، ۱۳۷۵: ۱۶۹)



مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادار
منع حضور	وجود خطر قتل ناشی بازدید از اماکن متبرکه برای اروپاییان	هنگامی که ما در مسجد شاه بودیم دو سه نفر از آخوندها متوجه شدند که یک اروپایی و به قول آن‌ها فرنگی وارد مسجد شده و لذا رفقای ایرانی من زود مرا از آنجا خارج و وارد بازار کردند و گرنه ممکن بود که حادثه سوئی روی دهد دوستان ایرانی من می‌گفتند که اگر ما برای خروج از مسجد و دور شدن از آن حدود عجله به خرج نمی‌دادیم ممکن بود که مرا به قتل برسانند (براون، ۱۳۷۵: ۱۶۹)
	وجود ترس ناشی از ممانعت ایرانیان، برای زیارت در مکان‌های مقدس	ایرانی‌ها آن را «مسجد مادر سلیمان» می‌دانند و جزو مکان‌های مقدس به شمار می‌رود و به همین جهت می‌ترسیم که مبدا مرا از تماشا مانع شوند (براون، ۱۳۷۵: ۳۳۵)
	همراهی اهالی برای بازدید اروپاییان از مسجد مادر سلیمان	ولی ترس من بدون جهت بود و سکنه قریه‌ای که در پیرامون قبر است خود حاضر شدند که مرا برای تماشای آن ببرند (براون، ۱۳۷۵: ۳۳۵)
	دعوت ایرانیان از سیاح اروپایی جهت بازدید از قبور ائمه در کربلا و نجف	فرنگی‌های دیگری که به ایران می‌آیند غیر از خرابه‌ها و قبرها نوشته‌های قدیمی و ظروف سفالین و این‌جور چیزها علاقه به چیز دیگری ندارند و از دیانت و حقیقت بی‌خبر هستند ولی شما مثل آن‌ها نیستید اگر بروید و قبور ائمه را در کربلا و نجف زیارت کنید و معجزات را در آنجا ببینید مسلمان خواهید شد (براون، ۱۳۷۵: ۳۴۸-۳۴۹)

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادر
ممنوع حضور	ممانعت از زیارت قبور ائمه و بزرگان	گفتم من به راستی می‌گویم که حاضریم هرگونه دلیلی را که مؤید حقانیت مذهب شما باشد قبول کنم برای شناخت روحيات و مذهب ملت شما به ایران آمده‌ام ولی متأسفانه هم‌وطنان شما به‌جای اینکه در این راه تسهیلاتی در دسترس من بگذارند برعکس ممانعت می‌کنند و نمی‌گذارند که من بروم و قبور ائمه و بزرگان شما را ببینم و به اعجاز آن‌ها پی ببرم (براون، ۱۳۷۵: ۳۴۸-۳۴۹)
	ممانعت از بازدید حتی بیرون از صحن	و حتی از بیرون صحن هم مانع از این می‌شوند که من آن ابنیه و قبور را ببینم (براون، ۱۳۷۵، ص ۳۴۸-۳۴۹)
	ممانعت از تماشای شاه عبدالعظیم حتی بیرون از صحن	کما اینکه در شاه عبدالعظیم نگذاشتند که من بیرون صحن بایستم و از دور داخل صحن را تماشا کنم در صورتی‌که به نظر من مسلمان‌ها که ایمان دارند محتاج نیستند که برای تقویت ایمان خود آن معجزات را مشاهده کنند (براون، ۱۳۷۵: ۳۴۸-۳۴۹)
	قرار گرفتن سیاحان در کسوت ایرانی برای بازدید از اماکن مقدسه	کدخدا گفت شما درست می‌گویید و اگر فرنگی‌ها معجزات ائمه ما را ببینند مسلمان می‌شوند از طرفی حیف است که شما از راه دور بیایید و جز یک‌مشت خرابه و ظروف سفالین چیز دیگری در این مملکت مشاهده نکنید و به حقانیت دیانت ما پی نبرید و به همین جهت من معتقدم که شما لباس فرنگی را از تن بیرون بیاورید و لباس مسلمان‌ها را بپوشید و با این لباس دیگر کسی از ورود شما به اماکن مقدس ممانعت نخواهد کرد کدخدا بعد از گفتن این جملات از جا برخاست و خداحافظی کرد و رفت (براون، ۱۳۷۵: ۳۴۸-۳۴۹)
	تماشای حرم از بیرون صحن بدون ممانعت اهالی قم	در تهران که بودم بعضی از تهرانی‌ها شعری می‌خواندند که بیانگر روحيات بد مردم قم بود؛ ولی وقتی من وارد قم شدم دیدم که این شعر مصداق ندارد و اهالی قم بدون ممانعت، روز دیگر به من اجازه دادند که بیرون صحن مکان مقدس قم (حرم حضرت معصومه) بایستم و درون آن را تماشا کنم و بعضی از آن‌ها با من شروع به صحبت کردند (براون، ۱۳۷۵: ۲۵۹)



سیاحانی چون پولاک از یک سو معتقد است «سراسر مملکت پر از امامزاده است و بعضی از آن‌ها در مناطقی ناجور و تقریباً صعب‌العبور» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳) و از سویی دیگر معتقد است که این بقاع و امامزادگان به صورت فرضی در پی خواب دیدن بدون دانش واقعی، در این سرزمین وجود دارد: «هر کس که خواب‌نما می‌شد معمولاً به دنبال آن به کندن جایی که خواب‌دیده بود دست می‌زد، بدیهی است که در خیلی از مواضع به بقایای استخوانی نیز دست می‌یافت حال چه استخوانی، متعلق به چه موجوداتی، انسانی یا غیرانسانی... علت عدم اطلاع بر علم استخوان‌شناسی آن را به جای استخوان انسان جا می‌زدند یا با حقه‌بازی و فریبکاری دیگر... به‌رحال امامزاده فرضی علم می‌شد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳)؛ حتی خواستگاه شکل‌گیری آن‌ها را برگرفته فریبکاری و حقه‌بازی دانسته و می‌توان گفت ریشه در جهل بشر و عدم اطلاع از علم مربوطه دانسته است.

مضمون دیگری که در ذیل این مضمون فراگیر در سخنان کسانی چون براون به‌وفور یافت می‌شد، علاقه وی به ورود به بقاع متبرکه و امامزادگان بود که مردم ایران در مسیرهای عبور ایشان ممانعت به عمل می‌آوردند: «در سلطانیه چند امامزاده بود من خیلی میل داشتم که آن امامزاده‌ها را ببینم اما «فراش» که متوجه شد من خیال دارم در سلطانیه بمانم شروع به اعتراض کرد و گفت اینجا جای توقف نیست و ما را حرکت داد» (براون، ۱۳۷۵: ۱۴۳). ایشان درجایی دیگر ضمن گفت‌گو با کدخدا و در پاسخ به این نظر کدخدا که او را دعوت به مشاهده بقاع متبرکه و درک معجزات آنان می‌کند، بار دیگر از ممانعت مردم گله می‌کند و می‌گوید: «من به‌راستی می‌گویم که حاضر هرگونه دلیلی را که مؤید حقانیت مذهب شما باشد قبول کنم برای شناخت روحيات و مذهب ملت شما به ایران آمده‌ام ولی متأسفانه هم‌وطنان شما به‌جای اینکه در این راه تسهیلاتی در دسترس من بگذارند برعکس ممانعت می‌کنند و نمی‌گذارد که من بروم و قبور ائمه و بزرگان شما را ببینم و به اعجاز آن‌ها پی ببرم» (براون، ۱۳۷۵: ۳۴۸-۳۴۹). اگرچه در برخی جاها حتی اجازه ندادند او حتی در صحن اماکن متبرکه حاضر شود و از دور تماشا کند؛ ولی در شهر قم از همراهی مردم خرسند بوده می‌گوید: «در تهران که بودم بعضی از تهرانی‌ها شعری می‌خواندند که بیانگر روحيات بد مردم قم بود؛ ولی وقتی من وارد قم شدم دیدم که این شعر مصداق ندارد و اهالی قم بدون ممانعت، روز دیگر به من اجازه دادند که بیرون صحن مکان مقدس قم (حرم حضرت معصومه) بایستم و درون آن را تماشا کنم و بعضی از آن‌ها با من شروع به صحبت کردند» (براون، ۱۳۷۵: ۲۵۹). براون اگر هم در برخی موارد موفق به حضور در مساجد شده است از طریق مساعدت و همراهی افراد بانفوذ بوده است: «مشیرالدوله سپس خادمی را به همراه من فرستاد که به مسجد سپهسالار برویم و مسجد مزبور را به من نشان بدهد. اگر مشیرالدوله این مساعدت را با من نمی‌کرد من نمی‌توانم نمی‌توانستم مسجد سپهسالار را تماشا کنم» (براون، ۱۳۷۵: ۱۶۹) هرچند خود براون ریشه این ممانعت ایرانیان را «نجس دانستن» ذکر کرده است: «برای اینکه اروپاییان را به مسجد راه نمی‌دهند و آن‌ها را نجس می‌دانند» (براون، ۱۳۷۵: ۱۶۹).

## ب) تشکیکی بودن بقاع

«تشکیکی بودن بقاع» کد فراگیر دیگری است که خود از سه مضمون سازمان دهنده «ویژه بود

کربلا»، «کربلا؛ اعظم پناهگاه» و «اعتباربخشی کربلا به اموات» به دست آمده است.

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادار
ویژه بودن کربلا	جایگاه مهم کربلا بعد از مکه برای شیعیان	از نظر شیعیان ایران و هندوستان و قفقاز کربلا پس از مکه مهم‌ترین شهر مقدس به شمار می‌رود (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵)
	عمومیت سفر به کربلا در میان شیعیان	به زحمت می‌توان یک نفر ایرانی متعین را پیدا کرد که یک یا چندین بار به زیارت کربلا نرفته باشد (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	زیارت کربلا هم‌پایه زیارت مکه در نزد شیعیان	بیش از همه مردم به زیارت کربلا در جوار بغداد می‌روند این موضوع نزد شیعیان تقریباً از شهرت و منزلت مکه برخوردار است و حتی زائران هندوستان قفقاز نیز بدان‌ها می‌روند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	سفر به مشهد مورد توجه ایرانیان بعد از کربلا	پس از کربلا، مشهد به‌عنوان زیارتگاه بیش از همه مورد توجه است که در مرز شمال شرقی مملکت قرار دارد (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	دسته‌بندی اماکن مقدسه	زیارتگاه‌های کوچک‌تر عبارت‌اند از قم و شاه عبدالعظیم (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	وجود انگیزه‌های مختلف در سفر به کربلا	چند هرچند علت مسافرت هم می‌تواند واقعی و هم ریاکارانه باشد (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
کربلا؛ پناهگاه اعظم	کربلا؛ پناهگاه و بست اعظم کشور در خارج از مملکت	در بین بقاع متبرکه واقع در خارج مملکت، از همه بیشتر، کربلا که مدفن علی <small>علیه السلام</small> است و در نزدیکی بغداد در سرزمین عثمانی قرار دارد، بیش از سایر امکنه پناهگاه و بست اعظم کشور است (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵)
	کمال امنیت و آزادی در کربلا برای از چشم افتادگان شاه	تعداد کثیری از خویشان شاه صاحب‌منصبان عالی‌مقام که از چشم افتاده‌اند در کمال امنیت و آزادی در این دیار به سر می‌برند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵)
در دفن اموات اعتباربخشی کربلا	مقیم کربلا شدن برای در امان بودن بی‌لطفی شاه	درباریانی که می‌خواهند از خطر بی‌لطفی شاه در امان باشند اجازه زیارت کربلا می‌گیرند و آنگاه برای همیشه به صورت اختیاری در آنجا در تبعید زندگی می‌کنند در نتیجه در این شهر چندین هزار خانواده ایرانی مقیم شده‌اند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵)



مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادر
اعتباربخشی کربلا در دفن اموات	حمل اجساد ثروتمندان به یکی از اماکن مقدسه	اجساد مردم ثروتمند و متعین بلافاصله پس از مرگ یا پس از نبش قبر به یکی از اماکن متبرکه کربلا، مشهد، قم یا شاهزاده عبدالعظیم حمل می‌گردد (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۵۰)
	تقدس اماکن و دوی و نزدیکی به بقعه عاملی در تعیین قیمت قبر	قیمت هر قبر بستگی دارد به تقدس آنجا و دیگر دوری و نزدیکی به بقعه امام یا امامزاده صحن و بین ۵ تومان تا ۲۰۰۰ تومان برآورد می‌شود (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۵۰)
	حمل ناشناس اجساد به کربلا برای رهایی از درخواست‌های بی‌جا	چون از این گذشته مقام و موقع اجتماعی متوفی نیز در تعیین قیمت تأثیر دارد گاه کسانی و نزدیکان یک صاحب‌منصب عالی‌مقام برای اینکه در مقابل درخواست‌های بی‌جا قرار نگیرند، جسد را به‌صورت ناشناس به کربلا حمل و در آنجا دفن می‌کنند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۵۰)

اهمیت تشکیکی بقاع متبرکه از نظر ایرانیان، در نوشته‌های سیاحان بدین گونه آمده است که «از نظر شیعیان ایران و هندوستان و قفقاز کربلا پس از مکه مهم‌ترین شهر مقدس به شمار می‌رود» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵) همچنین پولاک در جایی دیگر می‌گوید: «پس از کربلا، مشهد به‌عنوان زیارتگاه بیش از همه مورد توجه است که در مرز شمال شرقی مملکت قرار دارد» (پولاک، ۱۳۶۱، ص ۲۲۹-۲۳۰). توجه به سایر اماکن مذهبی نیز این‌گونه آمده است: «زیارتگاه‌های کوچک‌تر عبارت‌اند از قم و شاه عبدالعظیم» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰). این برداشت سیاحان نشان از این دارد که به‌واقع جایگاه این اماکن و تشکیکی بودن آن را نزد ایرانیان به‌خوبی درک کرده است. علاوه بر این، کربلا را «بست اعظم» دانسته می‌گوید: «در بین بقاع متبرکه واقع در خارج مملکت، از همه بیشتر، کربلا که مدفن علی علیه السلام است و در نزدیکی بغداد در سرزمین عثمانی قرار دارد، بیش از سایر امکنه پناهگاه و بست اعظم کشور است» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵). اهمیت کربلا در پناهگاه بودن تا بدان حد است که برخی سیاحان، رمیدگان از درگاه شاهی نیز تنها پناهگاه خود را کربلا می‌دانند. جایی که امنیت کامل برایشان برقرار است: «تعداد کثیری از خویشان شاه صاحب‌منصبان عالی‌مقام که از چشم افتاده‌اند در کمال امنیت و آزادی در این دیار به سر می‌برند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵). مضمون دیگری که حالی از درجه‌بندی بقاع متبرکه دارد این برداشت پولاک است که حتی در دفن اجساد نیز می‌توان تشکیکی بودن بقاع را درک کرد: «اجساد مردم ثروتمند و متعین بلافاصله پس از مرگ یا پس از نبش قبر به یکی از اماکن متبرکه کربلا، مشهد، قم یا شاهزاده عبدالعظیم حمل می‌گردد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۵۰).

### ج) هم پیوندی امنیت و بقاع متبرکه

«هم پیوندی امنیت و بقاع متبرکه» مضمون فراگیری که خود برگرفته از دو مضمون سازمان دهنده «امان بخشی بست‌ها به پناهندگان» و «بست‌نشینی؛ تهدید امنیت عمومی» است:

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادار
امان بخشی بست‌ها به پناهندگان	بست نشستن در حرم برای نجات	قنبر که نمی‌خواست اعدام شود و از طرفی دویست تومان خون‌بها نداشت به حرم حضرت عبدالعظیم پناهنده شد و در آنجا بست نشست (گوبینو، بی‌تا: ۵۸-۵۹)
	بست بودن حرم عبدالعظیم برای مقصرین	اعلی‌حضرت هم غالباً در همین روز برای زیارت به آن مکان مقدس که هم وقت مزار عده فراوانی از مردم بوده و جهت مقصرین عمده حکم بست را دارد، می‌رود (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۸۹)
	بست نشستن در حرم برای دادخواهی	و پدر مقتول هم از آن روز به بعد ساکن دهکده حضرت عبدالعظیم شد و سوگند یاد نمود که تا وقتی که قنبر از بست خارج نشود وی در آن دهکده تکان نخورد (گوبینو، بی‌تا: ۵۸-۵۹)
	بی‌اعتمادی به امان بخشی شاه در مقابل امنیت بست‌نشینی	یک روز شاه و مادرش برای زیارت به حضرت عبدالعظیم رفتند و ناصرالدین‌شاه از اوضاع قنبر سؤال کرد و قنبر شرح حال خود را به عرض شاه رسانید. شاه را دل بر حال او سوخت و گفت اینک که علی از دنیا رفته است دیگر حیفاست که جوان دیگری را هم در قفای او به دنیای دیگر بفرستند و آن وقت به قنبر گفت که از بست خارج شود و به وی اطمینان داد که کسی متعرض او نخواهد شد (گوبینو، بی‌تا: ۵۸-۵۹)
	عدم اعتماد به امان شاه و اعتماد به امان بودن در حرم	ولی قنبر باطناً به گفته شاه اعتماد نکرد و با خود گفت که چون شاه الساعه مراجعت خواهد کرد و مرا فراموش خواهد نمود اگر قدم بیرون بگذارم به دست اقوام و خویشاوندان علی گرفتار خواهم شد و فرضاً آن‌ها مرا به قتل برسانند کسی به فریاد من نخواهد رسید (گوبینو، بی‌تا: ۵۸-۵۹)
	در امان بودن تا زمان بست‌نشینی	شاه که دید تقاضای او در قنبر بلااثر شد و حاضر نگردید که از بست خارج شود، با تغییر گفت حالا که چنین است تو بایستی کفاره خون علی را پس بدهی و به یساولان خود سپرد همین‌که علی از بست خارج گردید او را به قتل برسانند. از این پس بدبختی قنبر بالمضاعف شد؛ زیرا نه تنها اقوام و خویشاوندان مقتول بلکه پلیس هم در کمین او بود که به محض خروج از بست او را دستگیر نمایند (گوبینو، بی‌تا: ۵۸-۵۹)

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادر
امان بخشی بست‌ها به پناه‌ندگان	عدم امنیت در صورت خروج از حرم	قبر از ترس اینکه به‌هیچ‌وجه از حرم خارج نشود ولو اینکه برای حوائج طبیعی باشد غذای خود را به‌روزی دو خرما تقلیل داد و این مقدار غذای ناچیز به‌زودی قبر را ضعیف کرد به‌طوری‌که هر کس او را می‌دید تصور می‌کرد که یک‌مرد متحرک است (گوبینو، بی‌تا: ۵۸-۵۹)
	بست‌نشینی در حرم تا نجات قطعی	یک روز یکی از خانم‌های متمول که منسوب به خانواده بزرگی بود برای زیارت به حضرت عبدالعظیم آمد و خیلی دلش به حال قبر سوخت و نه‌تنها دویست تومان خون‌بهای علی مقتول را پرداخت بلکه از شاه هم خواهش کرد که علی را ببخشد و دستور بدهد که او را تعقیب نمایند و آن‌وقت قبر را از حرم عبدالعظیم به خانه خود برد و به خدمت خود گماشت (گوبینو، بی‌تا: ۵۸-۵۹)
	توسل به بست‌نشینی برای رهایی از تعقیب قانون	درباره بست که هم مجرمین محکوم و هم متهمین و مظنونین با توسل به آن می‌توانند برای مدتی محدود از تعقیب قانون مصون باشند شرح مبسوط‌تری باید به دست داد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳)
	بست‌نشینی حمایت لازم برای تأمین امنیت شخصی	در ممالکی که در آن‌ها دادگستری منظم وجود ندارد درجایی که به‌محض ایراد سخنی از طرف شاه مستبد، قبل از هر تحقیق و رسیدگی، ممکن است کیفری برای فرد معین شود یا در یک‌چشم بر هم زدن آن کیفر به‌موقع اجرا گذارده شود، بست نشستن و پناه جستن به‌منزله حمایت لازمی است برای کسانی که امنیت شخصی آن‌ها علی‌الدوام مورد تهدید قرار گرفته است به همین دلیل قانون‌گذاری یهود هم حق بست نشستن را برای قاتلان به رسمیت شناخته است (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳)
	پناه بردن به بست برای نجات جان خود/ پناه بردن به کربلا برای نجات جان	می‌گویند هنگامی که حاجی میرزا آغاسی بست‌ها را تعطیل کرد امام‌جمعه تهران به وی گفت: «وقتی طویله‌ها را خراب می‌کنی اقلأً آخری برای خودت باقی بگذار» در عمل نیز پس از وفات محمدشاه وی فقط با گریختن به شاه عبدالعظیم توانست از چنگ مرگ قطعی نجات یابد از آنجا توانست با وزیر جدید چانه بزند و اجازه بگیرد که به‌عنوان تبعیدی به کربلا و بغداد روانه شود (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴)
	بست بودن هر امام‌زاده در ایران	پیش از این‌ها در ایران هر امام‌زاده‌ای یا حول‌وحوش آن به‌عنوان بست شناخته می‌شد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳)

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادار
امان بخشی بست‌ها به پناهندگان	درامان بودن دشمنان شاه در صحن حرم	اما آدم کشان سرشناس و خیانت‌کاران و وطن‌فروشان یعنی کسانی که شاه به ثروت آنان چشم‌داشت دارد فقط در «صحن» می‌توانند پناه بجوبیند. ولی هرگاه در نقطه‌ای دورتر مثلاً در داخل حوزه دیده شوند فقط به فرمان «متولی باشی» می‌توان آن‌ها را دستگیر و خارج کرد نه به دستور دولت (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴)
	امنیت کامل همه در داخل بقعه / عدم دستگیری افراد پناهنده به بقعه	در داخل بقعه هیچ‌کسی را به هیچ‌عنوان نمی‌توان دستگیر کرد (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴)
	احترام خاص مردم برای بست و امدادسانی به بست‌نشینان	بست چنان مورداحترام خاص مردم است که باوجود نهبی متولی باشی باز مردم متدینی یافته می‌شوند که پنهانی به این پناهنده غذا برسانند. عفو گرفتن برای پناهندگان یا بازخریدن کیفر آنان کاری است که از نظر مردم ثواب دارد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵)
بست‌نشینی؛ تهدید امنیت عمومی	زیان بخشی بست‌ها برای امنیت عمومی	سوای امامزاده‌ها، مساجد اسطبل‌ها، و زرادخانه‌ها نیز بست بوده کسی حق تخطی به آن‌ها را نداشته است وجود این‌همه بست در عمل برای امنیت عمومی فوق‌العاده زیان‌بخش شناخته شد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳)
	پناه بردن اراذل‌واوباش به مساجد	اراذل‌واوباش از هر دست، در حول‌وحوش مساجد به سر می‌بردند تا شب‌ها به غارت و دزدی بروند و بعد باز در پناه مساجد جای بگیرند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴)
	محدود ساختن بست‌نشینی اماکن مقدسه	برائر تدبیر ترتیبی که میرزا آغاسی وزیر مرحوم محمدشاه مقرر داشت و بعدها نیز سخت مورد تأیید میرزا تقی‌خان امیرنظام قرار گرفت و به‌موقع اجرا گذارده شد در سراسر مملکت تنها سه بست به رسمیت شناخته شد که هیچ‌کس نمی‌توانست به حریم آن‌ها تجاوز کند امامزاده شاه عبدالعظیم نزدیک تهران جایی که شهر قدیم ری در آن واقع بود. قم و سرانجام بقعه امام رضا واقع در مشهد. از دو موزه نخستین شخصاً دیدار کرده‌ام (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴)
	بست بودن سراسر مشهد برای دزدان	سراسر مشهد برای کسانی که از نظر دزدی اختلاس و حتی ضربه منجر به مرگ تحت تعقیب‌اند بست محسوب می‌شود (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴)



در این مضمون، بقاع متبرکه از جنبه فردی پناهی امین برای مجرمان و خطاکاران است، حتی می‌توان این سطح از امنیت بخشی را برای هر امام‌زاده‌ای به رسمیت شناخت: «پیش از این‌ها در ایران هر امام‌زاده‌ای یا حول و حوش آن به‌عنوان بست شناخته می‌شد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳). سیاحان این امنیت دهی بست را برای رهایی از تعقیب قانون دانسته، می‌گویند: «هم مجرمین محکوم و هم متهمین و مظنونین با توسل به آن می‌توانند برای مدتی محدود از تعقیب قانون مصون باشند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳). آنان این نحوه استفاده از بقاع و اماکن مقدسه را برای پناهجویی مختص جوامعی می‌دانند که دادگستری منظمی نداشته یا عدالت به‌درستی اجرا نیم شود و این عدم امنیت علی‌الذوام بوده (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳) از همین رو که با پناهجویی به بقاع برای مدتی خود را در حصن قرار می‌دهند به‌خصوص بقعه که «در داخل آن (بقعه) هیچ‌کسی را به هیچ‌عنوان نمی‌توان دستگیر کرد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴)؛ اما آنچه از تحلیل نوشته‌های سیاحان به دست آمد اینکه آنان از یک‌سو بست‌نشینی را پناهگاهی برای افراد دانسته از سویی بست‌نشینی را زیان‌بخش به امنیت عمومی (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳) بدین معنی که بست‌نشینی دارای کارکرد و کژ کارکرد است. در سطح فردی بدان پناهجویی می‌شود و در سطح اجتماعی و عمومی آسیب‌زا و مخل امنیت؛ به‌نحوی که پولاک غیر از حرم و بقاع، این سطح از گستردگی بست بودن را به سراسر شهر نیز سرایت داده و می‌گوید: «سراسر مشهد برای کسانی که از نظر دزدی اختلاس و حتی ضربه منجر به مرگ تحت تعقیب‌اند بست محسوب می‌شود» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴). وجود همین کژ کارکرد است که سبب می‌شود در برهه‌ای، تعداد بست‌ها محدود شود و «در سراسر مملکت تنها سه بست به رسمیت شناخته شد که هیچ‌کس نمی‌توانست به حریم آن‌ها تجاوز کند امام‌زاده شاه عبدالعظیم نزدیک تهران جایی که شهر قدیم ری در آن واقع بود. قم و سرانجام بقعه امام رضا واقع در مشهد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴).

### د) کارکرد بقاع متبرکه

مضمون فراگیر فوق، دربردارنده مضامین سازمان دهنده «تدفین اموات»، «بهره‌مندی از رهاورد زیارت»، «خطرپذیری»، «روزی‌خواری»، «دست یافتن به دفینه‌ها» است. ارزشمند بودن به خاک سپاری مردگان در کنار بقاع با توجه به توان مالی متوفی، همچنین با نظر به تشکیکی بودن درجه اهمیت و دسترسی به این بقاع، از مهم‌ترین یا شاید پرتکرارترین کارکردی است که در سخنان سفرنامه نویسان اروپایی دیده می‌شود. این واحدهای معنادار به همراه مضامین استخراجی در جدول زیر آمده است:

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	واحدهای معنادار
بهره‌مندی از رهاورد زیارت	دفن در کنار بقاع از سر علاقه به امامان و قدیسیان	ایرانیان، چنان علاقه‌ای به امامان و قدیسیان خود دارند که غنی و فقیر، مؤمن و بی‌ایمان، اصرار دارند که در جوار مرقد آنان به خاک سپرده شوند (گوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۲)

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	واحدهای معنادار
تدفین اموات	ارسال جنازه ثروتمندان به کربلا	ثروتمندان اشتیاق دارند جنازه‌شان به کربلا فرستاده شود تا منزلگاه آخربینشان در میدان جنگ معروف امام حسین <small>علیه السلام</small> با طرفداران یزید باشد (گوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۲)
	هم‌جواری قبرستان و امامزاده	در این نزدیکی‌ها امامزاده‌ای است که در میان قبرستانی بنا شده و در اطراف آن ساکنی دیده نمی‌شود (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۸۰)
	تدفین در قم در صورت فقیر بودن	اهالی شمال و غرب ایران که ثروتشان ناچیز است، در قم در جوار حضرت فاطمه‌ی معصومه <small>علیها السلام</small> دفن می‌شوند (گوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۲)
	حرکت کاروان اجساد برای دفن در اماکن متبرکه (قم)	وضع کاروانی که ما دیدیم از این‌قرار بود که هر اسب یا قاطر دور گاهی سه تابوت حمل می‌کرد در هر تابوت یک‌مردم قرار داشت. هر تابوت هر تابوتی را که در یک کیسه جا داده بودند و روی هر کیسه نام مرده ثبت شده بود تا اینکه مردگان با یکدیگر اشتباه نشوند. تابوت‌های ایرانی قدری با تابوت‌های ما فرق دارد یعنی قسمت جلوی آن عریض و قسمت انتهایی آن نسبت به قسمت جلو کم‌عرض می‌باشد. این کاروان‌ها اموات را برای انتقال به اماکن متبرکه حمل می‌کنند که در آنجا دفن نمایند و کاروانی که ما دیدیم به‌طرف قم می‌رفت (براون، ۱۳۷۵: ۱۳۷)
	حرکت کاروان با خویشاوندان مرده برای رسیدن به شهر متبرکه (قم)	گاهی علاوه بر دو تابوت مرد یا زنی روی اسب نشسته بود و آن‌ها عموماً خویشاوندان مرده بودند همراه با جنازه می‌رفتند که بعد از رسیدن به قم آن را دفن نمایند (براون، ۱۳۷۵: ۱۳۷)
	دفن مردگان گبرها در نزدیک کوه بی‌بی شهربانو	گبرهای تهران، مردگان خود را در محلی موسوم به «دخمه» نزدیک کوه بی‌بی شهربانو دفن می‌کنند. بی‌بی شهربانو دختر یزدگرد سوم پادشاه ساسانی بوده که بعد از انقراض سلسله ساسانی با حضرت حسین که ایرانی‌ها او را امام سوم می‌دانند وصلت کرد و یکی از علل علاقه‌مندی ایرانی‌ها به خانواده حضرت علی نیز همین وصلت است. به‌طوری‌که می‌گویند بی‌بی شهربانو به ایران آمد که وسایل ورود حضرت حسین را در ایران فراهم کند و در مجلس واقع در نزدیکی تهران و جایی که اکنون موسوم به بی‌بی شهربانو است و می‌گویند سابقاً آتشکده بوده، منزل گرفت. اکنون آنجا یک مکان مقدس است و مردها حق ورود به آنجا را ندارند و فقط زن‌ها می‌توانند به آنجا بروند (براون، ۱۳۷۵: ۱۵۹)



مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	واحدهای معنادار
تدفین اموات	وصیت مبنی بر به خاک سپاری در اماکن مقدسه	این نوعی تعلق خاطر عمومی و علاوه بر آن یک رسم است. کمتر کسی پیدا می‌شود که در وصیت‌نامه‌اش قید نکرده باشد که ورثه‌اش، وی را در اماکن مقدسه به خاک بسپارند (گوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۲)
	اولویت داشتن زیارت قم در سفر شاهان قاجار به علت تدفین شاهان در قم	سایر زیارتگاه‌ها که در خارج از کشور قرار دارند معلوم است که نمی‌توانند مطرح نظر باشند اما قم این امتیاز را دارد که مدفن اغلب امرا و شاهزادگان سلسله قاجار نیز هست (پیولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	هم‌جواری امامزاده‌ها و قبرستان‌ها	قبرستان‌ها که اغلب در جوار امامزاده‌ها در وسط شرف قرار دارند محصور نیستند بدین دلیل مردم از آنجا عبور و مرور می‌کنند (پیولاک، ۱۳۶۱: ۲۴۹)
	حمل جنازه‌ها برای دفن در کنار امامزاده	جنازه را بر تابوتی که روی آن معمولاً با شالی پوشیده شده در معیت دوستان درحالی‌که بانگ یکنواخت لا اله الا الله طنین‌انداز است به نزدیک‌ترین امامزاده حمل می‌کنند (پیولاک، ۱۳۶۱: ۲۴۹)
	روانه ساخت قافله اجساد برای تدفین کنار امامزاده (قزوین)	قزوین امامزاده معتبری دارد به نام شاهزاده حسین که پسر امام رضای مدفون در توس است. مؤمنینی که استطاعت فرستادن جنازه کسان خود را به کربلا یا مشهد ندارند دفن آن‌ها را در نزدیکی امامزاده شاهزاده حسین موجب ثواب اخروی می‌دانند که به همین نظر از جمیع جهات اجساد را برای رفتن به آنجا روانه می‌دارند و گاهی عده آن‌ها به اندازه زیاد است که از آن‌ها قافله‌ای تشکیل می‌شود (فوریه، ۱۳۸۵: ۹۲)
	دفن اموات در کنار مزار حضرت معصومه/دفن شاهان سلسله قاجار در کنار مزار حضرت معصومه	در منتهالیه راه (از منظر به تا قم) گنبد طلا و مناره‌های مزار حضرت معصومه ساخته شده. وجود این مزار در این نقطه بر آن باعث آمده است که شیعیان از جمیع نقاط اموات خود را برای دفن به اینجا بیاورند چنانکه شاه صفی و شاه عباس و شاه سلیمان از سلسله صفویه و فتحعلی شاه و محمدشاه از سلسله قاجاریه در این محل مدفون‌اند. ناصرالدین‌شاه هم در همین نقطه در کار تهیه قبری جهت خود هست (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۵۲-۲۵۳)

علاوه بر این کارکرد، بنا بر گزارش سفرنامه نویسان، شیعیان در سفر به بقاع و اماکن مقدس، با نظر به درجه اهمیت آن، به نبال کسی القاب و عناوینی هستند که چون سرمایه اجتماعی، ارزشمند تلقی می‌شوند (پیولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰). هرچند انگیزه‌های زائران واقعی یا ریاکارانه باشد، آنان از

رهاورد سفر زیارتی خود غیر از بهره‌های مادی، دریافت تهنیت و زیارت قبولی و همچنین کسب رضای الهی انتظار می‌کشند. این مواهب و بهره‌ها، صرفاً از طریق سفر به اماکن به دست نمی‌آید، بلکه اقامت در جوار این اماکن نیز ساکنان را غرق در نعماتی می‌کند که از برکت آن مرقد ایجاد می‌شود چنانچه پولاک درباره این بهره‌مندی در شهر قم می‌گوید:

«شهر قم پر از سید و ملا است و خدا می‌داند که چقدر سید و ملاً از برکت مزار حضرت معصومه در این شهر نان می‌خورند» (فووریه، ۱۳۸۵: ۲۵۲-۲۵۳). حاجت‌خواهی و دخیل بستن نیز از کارکردهایی است که در جوار بقاع یا هر مکانی که نزد ایرانیان تقدس یافته باشد، در گزارش سفرنامه نویسان آمده است: «یکی از رسوم رایج در سراسر مشرق زمین این است که در بعضی از مساجد بر درختان، بر توده‌های سنگ یا بر فراز قله کوه، تکه‌های کوچکی از لباس را به‌عنوان دخیل بچسبانند یا ببویزند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۸). این مدد خواهی در سطحی بالاتر از اماکن معتبر نزد ایرانیان و از هر طبقه و جایگاهی گزارش شده است: «امروز امین اقدس عازم مشهد است به این امید که بینایی از دست‌رفته خود را از حضرت رضا باز گیرد» (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

مضمون سازمان دهنده دیگری که از تحلیل گزارش‌ها به دست آمده است «دست‌یابی به دفینه‌ها» ست. اینکه برخی از سفرهای شاهان و امرا به اماکن مقدس حاکی از ارادت آنان به اماکن و به قصد سفر زیارتی است، گاه با دستور به اکتشاف و تلاش برای استخراج گنجینه‌های احتمالی مدفون در بقاع، امری است که انگیزه واقعی آنان را در نزد سفرنامه نویسان با شک و تردید مواجه می‌کند: «بنا بر افسانه‌های محلی در اطراف آستانه غارهایی است مملو از طلا، همه باایمانی از این مطلب صحبت می‌کنند و شاه مثل اینکه امر مسلم باشد بیش از همه در این باب حرارت به خرج می‌دهد. من پیش خودم که شاید شاه به آستانه برای همین گنجینه‌ها آمده و زیارت بهانه‌ای بیش نبوده است». (فووریه، ۲۶۴: ۱۳۸۵-۲۶۵). اگرچه خود سیاحان نیز از این دفینه‌ها و گاه تزیینات بقعه بی‌نصیب نمی‌شدند: «اعتمادالسلطنه دریکی از امام‌زاده‌های آهنگران کاشی‌های زیبایی به دست آورد که اگرچه جلای کاشی‌های طلائی را نداشت ولی باز بی‌اهمیت نبودند ولی باز بی‌اهمیت نبودند سه عدد از آن‌ها را برداشت و به من هدیه داد» (فووریه، ۱۳۸۵: ۲۸۱).

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادار
بهره‌مندی از رهاورد زیارت	کسب القاب اجتماعی با سفر به اماکن مقدسه	لقب حاجی فقط با مسافرت به مکه به دست می‌آید؛ کسانی که به کربلا و مشهد می‌روند به القاب کربلایی و مشهدی ملقب می‌شوند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	دریافت تهنیت زیارت قبولی توسط زوار	کسانی که از مکه بازمی‌گردند برای آشنایان خود بادبزن‌های عربی، خرما، قهوه و غیره به‌عنوان سوغات می‌آورند و به‌عنوان تهنیت از گیرندگان هدایا «زیارت قبول» می‌شنوند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)



مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادار
بهره‌مندی از رهاورد زیارت	کسب رضای الهی در سفر زیارتی	زائران باید در طول سفر بکوشند رضای خدا را به‌جای آورند مشروب نخورند و از نظر روابط جنسی نیز امساک کنند اما مع‌هذا تخطی از این مقررات اغلب مشاهده می‌شود (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	مدح قدیس در سفرهای زیارتی	در مسافرت‌ها بسیار می‌شود که آدمی با کاروانی از زائران برخورد کند به هنگام عبور از شهرها در رأس کاروان چاووش حرکت می‌کند. وی بیرق سرخ با خود دارد و با صدایی گوش‌خراش مدح قدیسی را که به زیارتش می‌روند سر می‌دهند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
روزی خواهی	روزی‌خوری سید و ملاها به برکت مزار حضرت معصومه	شهر قم پر از سید و ملا است و خدا می‌داند که چقدر سید و ملا از برکت مزار حضرت معصومه در این شهر نان می‌خورند (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۵۲-۲۵۳)
	مزار حضرت معصومه تنها جای دیدنی قم	سه روز اقامت در چنین محلی که غیر از مزار حضرت معصومه هیچ جای دیدنی ندارد واقعاً بسیار زیاد بود به‌خصوص که در این دهانه دشت کویر گرما بیداد می‌کرد (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۵۲-۲۵۳)
	شفا خواهی زنان دربار از امام رضا	امروز امین اقدس عازم مشهد است به این امید که بینایی از دست‌رفته خود را از حضرت رضا بازیگیرد (فوریه، ۱۳۸۵: ۱۷۵)
	دخیل بندی بر درختان اماکن مقدسه	یکی از رسوم رایج در سراسر مشرق زمین این است که در بعضی از مساجد بر درختان، بر توده‌های سنگ یا بر فراز قله کوه، تکه‌های کوچکی از لباس را به‌عنوان دخیل بچسبانند یا ببویزند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۸)
	سرایت تقدس مکان به اشجار آن مکان	در تهران نزدیک دروازه شمیران بقعه‌ای است و در کوهی سر راه آبگرم نزدیک دماوند نیز درخت عرعر تناوری است که هیچ عابری از آویختن قطعه‌ای از لباس خود به آن خودداری نمی‌کند. دوام و بقای این درخت موجب پیدا شدن شهرت مقدس بودن آن شده است. به علت فقدان درخت در بعضی جاها، هر مسافری با خود سنگی به همراه می‌برد؛ باگذشت زمان هرمی برپا می‌شود و در پناه آن به‌زودی درختی می‌روید که باز به آن دخیل می‌آویزند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۸)
	رونق کسب‌وکار در پناه بقاع برای پناهندگان	پناهندگان در اینجا خود مهاجرنشینی تشکیل داده‌اند بدون هیچ رادع و مانعی به کسب‌وکار مشغول‌اند و حتی کسی نمی‌تواند آن‌ها را به استرداد مال مسروقه وادارد (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴)

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادر
دست یافتن به دفینه‌ها	هدیه دادن از کاشی‌های امامزاده به سیاحان	اعتمادالسلطنه در یکی از امامزاده‌های آهنگران کاشی‌های زیبایی به دست آورد که اگرچه جلای کاشی‌های طلایی را نداشت ولی باز بی‌اهمیت نبودند ولی باز بی‌اهمیت نبودند سه عدد از آن‌ها را برداشت و به من هدیه داد (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۸۱)
	مزین بودن امامزاده به بنایی قشنگ و ساده	بینگی امام چیزی نیست جز یک امامزاده و یک کاروانسرا و یک آبادی. مزار آن گنبدی دارد مرکب از چند مربع مستطیل که در روی آن بنایی قشنگی مزین شده (فوریه، ۱۳۸۵: ۹۸)
	کشف گنجینه قبر حقیوق به دستور شاه برای	یکی از تپه‌های نزدیک قبر حقیوق را که بزرگ‌تر از تپه نهاوند است به امر شاه شکافتند؛ ولی چیزی از آن به دست نیامد از حفره‌ای که تا مرکز آن باز کردند جز مشتی خاک چیزی دیگر بیرون نیاوردند و کمترین اثری از قبر در آن دیده نشد ولی شکل منظم آن می‌فهماند که این تپه طبیعی نیست؛ بلکه ساخته دست انسان است (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۷۷)
	غارت زینت امامزاده سهل علی	امامزاده سهل علی هیچ چیز قابل‌ملاحظه‌ای ندارد بنای آن حتی گنبد آن هم از آجر پخته است و اگر هم زینتی داشته امروز از آن چیزی باقی نیست چند قبر چنانکه معمول است در دوردور آن وجود دارد و در داخل آن چند قالی کهنه افتاده (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۶۴-۲۶۵)
	کشف گنجینه‌های آستانه سهل علی بهانه‌ای برای زیارت توسط شاه	بنا بر افسانه‌های محلی در اطراف آستانه غارهایی است مملو از طلا، همه با ایمانی از این مطلب صحبت می‌کنند و شاه مثل اینکه امر مسلم باشد بیش از همه در این باب حرارت به خرج می‌دهد. من پیش خودم که شاید شاه به آستانه برای همین گنجینه‌ها آمده و زیارت بهانه‌ای بیش نبوده است (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۶۴-۲۶۵)
	یافتن نشدن گنجینه در تپه نهاوند و ناکامی همه	گفتگو در باب این گنجینه‌ها نقل همه مجالس شده بود حتی زنان اندرون هم برای استفاده از این منابع این نقطه باید آن را «کالیفرنمای ایران» نامید صابون به دل خود مالیده بودند اما چون چیزی به دست نیامد و همه دست‌خالی به هکئین برگشتیم حالت نومیدی طمع‌کارانی که روز به این خیال کیسه‌ها می‌دوختند خالی از تماشا نبود (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۶۴-۲۶۵)

مضمون سازمان دهنده دیگری که در ذیل کارکرد بقاع، به دست آمده است توجه به زیارت و سختی‌های آن است. مردم از طبقات مختلف با پذیرش خطرات سفر، این رنج را بر خود تحمیل کرده (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰) مسیر سفر را در پیش می‌گیرند. این مضمون در جدول زیر آمده است:



مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادار
زیارت و خطرپذیری	انحصاری بودن زیارت مکه به علت هزینه و خطرات بالا	اقدام به زیارت مکه به علت هزینه هنگفت، ناراحتی‌ها و خطراتی که در بردارند فقط منحصر به معدودی از مردم معمر و اغلب اطباست تا با گرفتن لقب حاجی به شهرت برسند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	قرار گرفتن امامزاده‌ها در مناطق صعب‌العبور	در این مورد می‌توان امامزاده داوود نزدیک تهران را مثال زد که بر بالای مخروطی ۸ هزار پایی با شیب تند از کوه البرز قرار گرفته است هرچند که راه را قدری هموار کرده‌اند باز فقط در ۵ ماه از سال بدان دسترسی است و مسلم است که امامزاده در آن روزگار بدون بروز معجزه‌های نمی‌توانسته بدان جا برود (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳)
	خطر آفرین بودن زیارت مکه	روی هم‌رفته می‌توان گفت که اکثر زوار حج در بین راه فوت می‌کنند و به‌رحمت، عشر این زوار باز به وطن خود برمی‌گردند و به همین دلیل است که «چاووشی» را «مرثیه» هم می‌نامند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	تحمل مشقت و سختی بالا در سفر زیارتی مکه	برای اجتناب از مخاطرات صحرا و به‌خصوص حملات راهزنانه عرب‌های بدوی، زائران راه تبریز و شام یا قسطنطنیه و قاهره را اختیار می‌کنند ولی باز مخاطرات بدتری به‌صورت بیماری که ناشی از تغییر آب‌وهواست اینان را تهدید می‌کند مثلاً هرگاه وبا در کاروان ظهور کند دیگر به‌ندرت کسی از چنگال مرگ می‌گریزد. از راه خشکی رفتن و بازگشتن در این سفر با مدت توقف جمعاً نه ماه طول می‌کشد. از را دریا که مورد استفاده ساکنین نواحی جنوبی کشور است این مدت بسیار کوتاه‌تر می‌شود (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	پذیرش خطرات در سفر به مشهد توسط زوار	مسافرت بدان جا (مشهد) نیز برای خود مشکلات و خطراتی در بردارد؛ زیرا بسیاری از زائران از طرف ترکمن‌ها ربوده می‌شوند و در بازارهای خیوه را فروخته می‌شوند و به غلامی می‌روند این‌ها یا با پرداخت مبالغ هنگفت آزادی خود را بازمی‌یابند یا اینکه هرگز به وطن خود بازمی‌گردند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	صرف زمان بسیار در سفرهای زیارتی برای رسیدن به وطن	به دنبال او خیل مردان و زنان همچنین کودکان در حرکت‌اند که تک‌تک یا جفت‌جفت در کجاوه به اسب یا الاغ بسته شده طی طریق می‌کنند. به محض رسیدن به کاروانسرا هر یک بساط محقر خود را می‌گسترند حیوان‌ها را تیمار، سفره خود را باز می‌کنند بدین ترتیب به آهستگی روزی بعد از روز دیگر فرامی‌رسد زائرانی که از هند پای پیاده به مکه و کربلا می‌روند چندین سال وقت صرف می‌کنند تا باز به موطن خود بازگردند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	واحدهای معنادر
زیارت و خطرپذیری	اولویت داشتن زیارت قم در سفر شاهان قاجار به علت وجود خطرات در زیارت سایر اماکن	پادشاهان فعلی ایران حداکثر به زیارت قم می‌روند چون مشهد در منتهی الیه مرز مملکت واقع است و ممکن است مسافرت بدان جا نتایج ناگواری داشته باشد. (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰)
	زیارت اعلی حضرت از حضرت عبدالعظیم	اعلی حضرت هم غالباً در همین روز برای زیارت به آن مکان مقدس که هم وقت مزار عده فراوانی از مردم بوده و جهت مقصرین عمده حکم بست را دارد، می‌رود (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۸۹)
	زیارت کثیری از زنان و بچه‌ها برای زیارت حضرت عبدالعظیم	مزار حضرت عبدالعظیم که در دو فرسخی جنوب شهر تهران قرار یافته قصبه کوچکی است و راه آهنی که تنها راه آهن ایران محسوب می‌شود و آن را به تهران متصل می‌کند و هرروز جمعه صبح کثیری زن و مرد و بچه را از پایتخت به آنجا می‌برد روز خود را در اطراف گنبد طلای مرقد حضرت عبدالعظیم بن امام موسی کاظم بگذرانند (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۸۹)
	زیارت آستانه سهل علی توسط شاه	دو روز ماندن در اراضی باتلاقی عمارت به هیچ وجه به مصلحت نبود چنانکه خود شاه که به این کار دستور داده بود تب شدیدی کرد و مجبور شد که در هکئین بماند؛ اما همین که تب رو به تخفیف گذاشت روز بعد عازم آستانه شد تا مزار امامزاده سهل علی را که فرزند علی بن ابیطالب است از زوجه دیگری غیر از حضرت فاطمه مادر امام حسن و امام حسین زیارت کند (فووریه، ۱۳۸۵: ۲۶۴-۲۶۵)

بی‌پروایی از سختی سفر، در میان طبقه عامه بیشتر دیده می‌شود به نحوی که گاه جدای از حوادث طبیعی که ممکن بود دامن‌گیرشان شد، رویارویی با ربایندگان و گاه احتمال عدم بازگشت به وطن و بردگی در سرزمینی دیگر را نیز باید بدان افزود (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰) اما شاهان تلاش داشتند سفر خود را به اماکنی که کمتر در معرض خطر است، محدود کنند و از سفرهای برون مرزی را خطرآفرین پرهیز کنند: «پادشاهان فعلی ایران حداکثر به زیارت قم می‌روند چون مشهد در منتهی‌الیه مرز مملکت واقع است و ممکن است مسافرت بدان جا نتایج ناگواری داشته باشد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۲۹-۲۳۰).



## نتیجه‌گیری

در دوران قاجار، سفرنامه نویسان اروپایی مانند براون، پولاک، گوبینو و فووریه به اماکن و بقاع متبرکه ایران از زوایای مختلفی نگرش داشتند. برخی از آنان با نگرش منفی، خاستگاه اماکنی چون امامزادگان را برگرفته از خواب‌وخیال و گاه حاصل فریبکاری مؤمنان دانسته، فرضی و غیرواقعی بودن آن را نتیجه گرفتند که این امر حاکی از ضعف اطلاعات آنان نسبت به پیشینه مذهبی و تاریخی اسلام است. برخی دیگر نگاهی کارکردگرایانه به اماکن مذهبی داشته که در همین حالت نیز تصویری ناقص از این کارکرد ارائه شده است. پناه دهی به مجرمین، قاتلان و متهمان و بی‌ثباتی امنیت عمومی در سطح اجتماعی، بهره‌مندی مادی و روزی خواهی از قبل اماکن متبرکه هم برای متهمان و مجرمان «بست‌نشین» و هم برای «مجاوران»، کسب عناوین هویت‌بخش اجتماعی چون «حاجی»، «کربلایی» و «مشهدی»، گاه بانگیزه الهی و گاه به‌قصد ربا و فریب و مهم‌تر از همه «اعتباربخشی به اموات» از طریق دفن در کنار بقاع و اماکن اهم کارکردهایی است که در گزارش‌های سفرنامه نویسان انعکاس داده شده و تحلیل آن‌ها چنین نشان می‌دهد که اطلاعات جامع و صحیحی از ای اماکن در دسترسشان نبوده است. شاید این امر بدان جهت است که از یک‌سو این سیاحان ملازمان درباری بودند و صرفاً در پی اهداف سیاسی خود به ایران می‌آمدند و مسیر سفرشان نشان می‌دهد که برخی از این اماکن را ندیده‌اند و از نزدیک این تجربه را نداشتند که بتوانند تصویری روشن انعکاس دهند. همچنین مدت اقامت آنان در ایران یک تا سه سال بوده و در همین مدت نیز به‌صورت محدود با اماکن مقدسه روبه‌رو می‌شدند. از سویی دیگر در همین مدت محدود نیز شیعیان در بیشتر موارد چنانچه براون به کرات بدان اشاره داشته، منع شدیدی برای حضور در این اماکن به علت مسائل مذهبی نسبت به کفار و اجنبی غیرمسلمان وجود داشته است؛ از همین رو تنها گزارش‌ها آن‌ها مربوط به مواردی است که با مساعدت و همراهی نزدیکان خود در مناصب درباری موفق به دیدار از این اماکن مذهبی شده بودند که بیشتر هم مساجد بوده است. منع حضور تا حدی بوده که حتی با قرار گرفتن در صحن و تماشای از دور نیز ممانعت به عمل می‌آمده و گاه حضور خطرات جانی برایشان داشته است. این امر شاید مزید بر علت بوده تا تصویری غیردقیق از وضعیت بقاع و اماکن مذهبی در سخنان آنان منعکس شود. چنانچه از تجربه سیاحان به‌دست آمده، به نظر می‌رسد اگر ممانعت تا این درجه وجود نداشت شاید توصیف نزدیک به واقعی ارائه می‌شد؛ چنانچه تمایل آنان به آشنایی با فرهنگ و تاریخ و حتی حقانیت دین اسلام و معجزات ائمه نیز در داده‌ها آمده بود.

نکته که می‌توان بدان توجه داشت اینکه در کنار همین تصویر غیردقیق، امنیت بخشی و پناه دهی اماکن مذهبی به‌خصوص اماکن و بقاعی که از عظمت بیشتری در نزد شیعیان برخوردار است، سطحی از امنیت را برای فراریان و طردشدگان درباری نیز ایجاد کرده بود که حتی وعده‌های شاه و مهم‌ترین مقام سلسله قاجار نیز از اعتبار ساقط می‌شود و این درجه از اعتماد، در این سفرنامه‌های به‌خوبی منعکس شده است. تصویری دیگری که قابل تأمل می‌نمود «زیارت به‌مثابه سفری پرخطر» به‌منظور کسب رضای الهی و ثواب اخروی پذیرش همه مخاطرات جانی از سوی همه شیعیان است هرچند شاه قاجار زیارت خود را به اماکن امن محدود می‌کرد؛ سایرین از شیعیان، در این را با جان

خود معامله می‌کردند.

مسئله دیگری که تحلیل داده‌ها به دست داد اینکه اندوخته‌ها یا دفینه‌های بقاع متبرکه توسط ایرانیان و حتی دستور بالاترین مقام مملکتی به یغما می‌رفت به نحوی که گاه سفر به قصد زیارت بهانه برای دست یافتن به این دفینه‌ها ذکر شده است. هرچند سیاحان نیز خود از این تزیینات و گاه دفینه‌ها بی‌بهره نبودند.



### کتابنامه

- آقا بیگی کلاکی، رقیه (۱۴۰۰). «تحلیل گفتمان حاکم بر سفرنامه میرزا صالح شیرازی و سفرنامه ادوارد پولاک»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- براون، ادوارد (۱۳۷۵). یک سال در میان ایرانیان، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران: انتشارات صفار. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). ایران و ایرانیان، مترجم کیکاووس جهاننداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- جودکی کرم وند، کیمیا (۱۴۰۰). «بازتاب فرهنگ شیعی در سفرنامه‌های دوره قاجار»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان.
- دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۰). سفرنامه؛ تا پخته شود خامی، ج ۱، ثالث: تهران.
- دیوسالار، مهرداد (۱۳۹۰ش). «بررسی نگاه سفرنامه نویسان اروپایی به فرهنگ دینی ایرانیان در دوره قاجار»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- عابدی جعفری، حسن و دیگران. (۱۳۹۷). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۱، شماره ۱، پیاپی، ۱۳.
- فوریه، ژوانس (۱۳۸۵). سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران: نشر علم.
- گویینو، کنت دو (بی‌تا). سه سال در ایران، مترجم ذبیح الله منصوری، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فرخی.
- مهماندار احمد آباد، سرور (۱۳۹۱ش). «بررسی تطبیقی سفرنامه‌های ایرانی و اروپایی در عصر قاجار بر مبنای هشت سفرنامه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- محمد پور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲، ج ۲، تهران: جامعه شناسان.
- Braun, Virginia & Victoria Clarke (2006), "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3: 2, pp.77-101.
- Morinis, Alan (1992) Introduction: the territory of anthropology of pilgrimage. In Alan Morinis (ed.), *Sacred Journeys: the Anthropology of Pilgrims*. Westport, CT and London: Greenwood Press, pp. 1-28.

۱ سال اول

۱ شماره دو

۱ زمستان ۱۴۰۲





فصل نامه  
علمی  
مطالعات  
بیتاغ و  
امکان  
متبرکه